

عارضه‌های مسکن ناسالم و واکنش‌های اجتماعی

دکتر غلامعباس توسلی

مسکن که بدلیل عوارض مختلف خود در محیط‌های شهری در عصر جدید مسأله اجتماعی مهمی شده موضوع بررسیها و آمارگیریها و مونوگرافیهای فراوان قرار گرفته است. در این بررسیها همواره دو جنبه مختلف مورد توجه قرار گرفته است: الف نسبت مسکن به جمعیت (یا بعکس تراکم جمعیت در مسکن) ب کیفیت یا صفات مسکن از جهات خاص (مانند موقعیت مکانی قدمت، وسعت، طرح، وضع ساختمانی و غیره). نیاز فوری و مبرم اکثریت مردم شهر نشین بمسکن و نا هماهنگی تهیه آن با رشد سریع جمعیت بویژه در شهرهای بزرگ موجب شده است که بیش از هر امر دیگر به کمبود مسکن توجه شود و بیش از آنکه مسائل روانی، اجتماعی خانواده در تعبیه مسکن مورد توجه قرار گیرد عامل کمی متأثر از عوامل اقتصادی سایر عوامل را تحت الشعاع قرار داده است. نتیجه این غفلت آن شده است که حتی آنجا که خانه‌های دستجمعی و یا مجموعه‌های آپارتمانی سرعت توسعه یافته، تراکم جمعیت وعدم توجه به برخی عوامل اجتماعی و روانشناسی، محیط‌های ناسالم و بیماری زائی مخصوصاً برای گروههای نوجوانان بوجود آورده است.

اگر چه وضع مسکن در شهرهای ایران مورد بررسی کامل و همه‌جانبه‌ای واقع نشده لیکن براساس برخی گزارشها میتوان دانست که کمبود مسکن در شرایط کنونی در همه شهرهای در بسیاری از شهرهای بزرگ و متوسط وجود دارد حدود ۴۷٪ خانواده‌ها در شهرهای ایران در مسکن مستقل زندگی می‌کنند و بقیه بصورت متراکم در مسکن‌های چند خانواری غیر مستقل که اکثراً برای یک خانوار ساخته شده است بسر می‌برند.

از طرفی با توجه با استانداردهای بین‌المللی پائین بودن سطح کیفیت مسکن و نقائص بهداشتی و تأسیساتی و تراکم بیش از حد نفر در اطاق می‌توان به این مشکل اجتماعی مخصوصاً در شهرهای بزرگ پی برد. آنچه مزید بر علت شده اینست که توسعه مسکن در اینگونه شهرهای پرجمعیت نمی‌تواند با رشد جمعیت و افزایش خانوارها هماهنگ پیش رود و لذا حل مسئله مسکن روز بروز بصورت حادثری جلوه گر میشود. بهرحال هر گونه تفسیر در مورد وضع مسکن چه از نظر کمی و چه کیفی مستلزم پذیرش اصولی است که براساس آن طریقه صحیح سکونت مشخص شود بعبارت دیگر برای مسکن وظائف الزامی یا فونکسیونهای معین در نظر بگیریم که نتایج قاطعی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ببار می‌آورد. بهمین دلیل لازم است توجه به توسعه مسکن نه فقط از نظر کمیت مورد توجه قرار گیرد، بلکه تأثیرات مثبت و منفی روانی اجتماعی که هر نوع مسکن بهمراه دارد باید مورد بررسی واقع شود و بدرستی شناخته گردد.

مراد ما در این بحث با توجه برخی نیازهای عمومی اینست که نظر خوانندگان را به نکات اساسی روانشناسی و جامعه‌شناسی مسکن و عواقبی که از عدم توجه باینگونه عوامل ناشی میشود جلب کنیم.

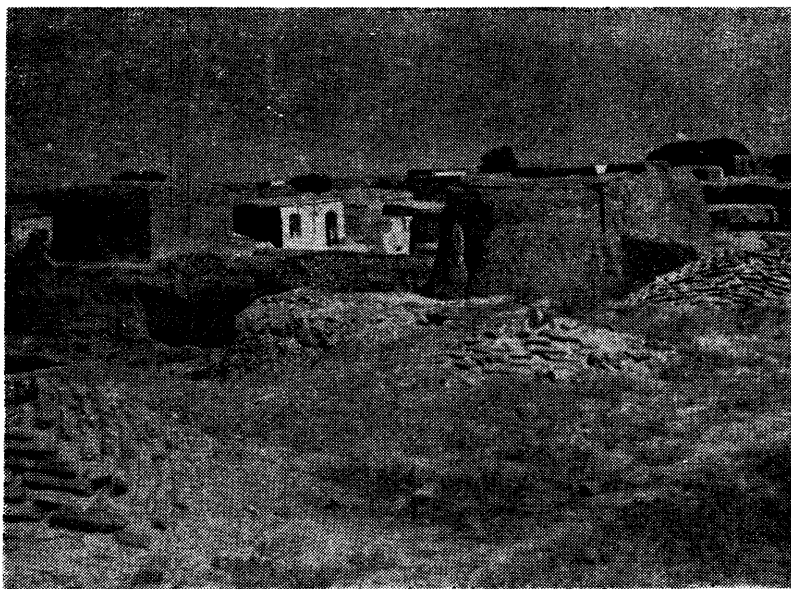
برای اینکه از کیفیت و مشخصات روانی اجتماعی مسکن تعریف صحیحی بدست دهیم لازم است بدو وظایف و فونکسیونهای مسکن را روشن سازیم . . .

فونکسیونهای مسکن

منظور از فونکسیون (Fonction) یا کارکرد در اینجا پاسخی است که برای نیاز معینی در نظر گرفته میشود این نیاز در مورد مسکن باید با توجه به جهات مختلف مسئله مورد بررسی قرار گیرد:

یکی از جهات توجه به پیچیدگی وانعطاف پذیری نیازهای انسانی است: نه فقط نیازهای ارگانیسم حیاتی مانند نور و حرارت و هوا و امثال آن مورد توجه قرار میگیرد بلکه ملاحظه نیازهای شخصیتی و روانشناسی مانند استقلال فردی و نیازهای دیگر انسان بعنوان یک موجود اجتماعی مانند احتیاج به برقرار کردن روابط با دیگران و شرکت در زندگی گروهی و حفظ حیثیت اجتماعی و امثال آن لازم و ضروری است با این حال تشخیص نیازهایی که مسکن به آن پاسخ میدهد از نظر متخصصین مختلف بصورت‌های متفاوتی اظهار شده است:

پزشکان و مسئولین بهداشت و مهندسين بیشتر بوظائف



نظر فلاسفه و شعرا

برخی از فلاسفه به فهم معنای عمیق مسکن برای فرد و خانواده علاقه نشان داده ، روابط پیچیده آنرا بازندگی خانوادگی روشن ساخته‌اند ، مثلاً هایدگر (۳) پدیدار شناس معروف معتقد است که « مسکن گزیدن نوعی رفتار یا یک نوع زیستن است » .

بولنو (۴) اعتبار مسکن را به ایجاد صمیمیت و حمایت فردی و پناهندگی و استقلال و دل بستگی به خانه و خانواده منسوب می‌دارد .

اساسی مسکن که حافظ سلامتی و آسایش ساکنین آنست توجه نشان داده و روی اینگونه مسائل تاکید می‌کنند . نگرانی از وضع بد بهداشتی فکر و منطقی ساختن مسکن و نظم دادن به محل مسکونی بتدریج از قرن ۱۹ پیدا شده و هنوز هم از نظر نیفتاده است . لیکن این توجه ناقص بنظر میرسد (فونکسیونالیزم بر مبنای توجه به تکنیک‌های وابسته به تمدن جدید صنعتی) .

نظر جامعه شناسان و انسان شناسان بمسائل دیگری بشرح زیر جلب شده است : اول بعد اجتماعی مسکن یعنی تجمع یک گروه انسانی با مشخصات معین در یک محل .

دوم تنوع بیش از حد شکل سکونت و صورتهای مختلف پاسخ به نیازهای انسانی از این حیث بر حسب نوع تمدنها . سوم روابط نزدیک بین نوع مسکن و ساخت زندگی خانواده‌ای که در آن اقامت گزیده است (مخصوصاً از نظر احتیاجات گروه خانوادگی) .

چهارم - اهمیت و ارزش سمبولیک مسکن (مانند حیثیت اجتماعی خانواده سمبولهای مذهبی و ایده‌ئولوژی و غیره) . پنجم - تغییر نیازها بر حسب طبقات اجتماعی که جامعه شناسانی مانند موریس هالبواکس (۱) و وارنر (۲) به آن توجه کرده‌اند ...

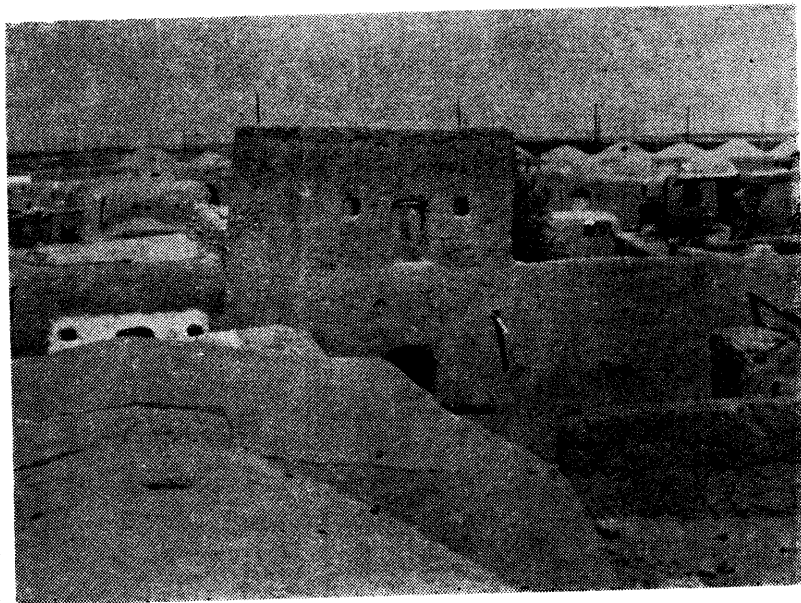
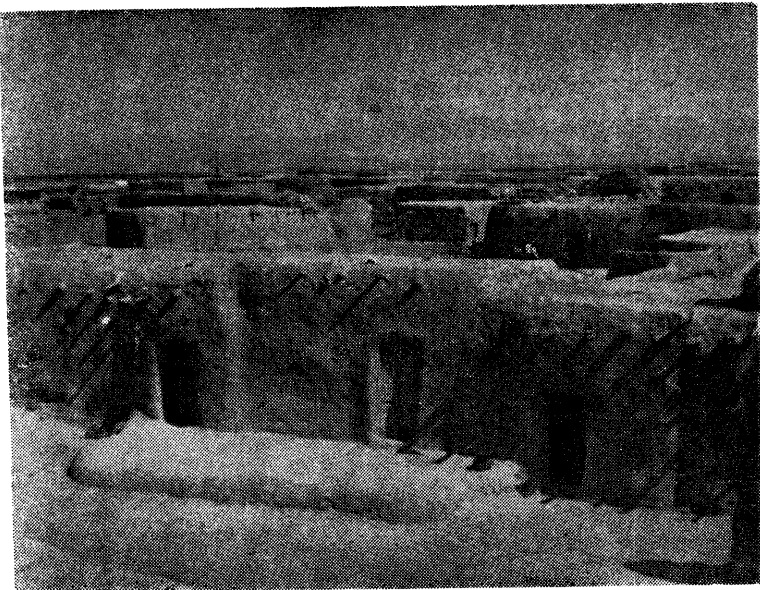
1_ Mawrce Halbwaehs جامعه‌شناسی مشهور فرانسوی

2_ Warmes W. L.

جامعه‌شناسی آمریکائی که در باره طبقات اجتماعی نظریات جالبی دارند .

3_ Heideggss

4_ Bolenot



مسکن نامناسب و ناسالم و مسائل مربوط بآن بشرح زیر مورد تجسس خاص قرار گرفته است .

خصوصیات مسکن معیوب : دو خصوصیت اصلی برای مسکن نامناسب و ناسالم ذکر کرده‌اند .

اول - وضع بد بهداشتی (بهداشت عمومی) .

دوم - تراکم جمعیت نسبی در مسکن (مثلاً بنظر برخی اگر در يك اطاق بیش از ۲ نفر باشد مسکن ناسالم و قابل انتقاد است) .

الف - عواقب محیط ناسالم و مسکن‌های

معیوب

نه تنها بررسی آمارها در شهرهای بزرگ هزینه‌های نگهداری اماکن ناسالم بسیار زیاد است دایره هزینه‌ها شامل

گاستن باشلارد (۱) بعنوان شاعر کتابی تحت عنوان « جنبه‌های شاعرانه » (۲) در ۱۹۵۸ نوشته و خانه را « فضای خوشبختی » لقب داده است که در آن استراحت خودیابی، آرامش و مادرگرائی اهمیت خاص پیدا می‌کند .

نظر روانشناسان و روانکاوان

برمبنای « تست‌خانه » که با کودکان آزمایش شده است خانه‌هایی که کودکان مورد آزمایش ترسیم کرده‌اند بصراحت و روشنی ساختمان عاطفی روابط خانوادگی را آنطور که طفل آنرا احساس می‌کند نشان می‌دهد . از اینجا چنین استنباط میشود که مسکن مجموعه پیچیده و در همی از وظائف را بهمه دارد و باید با نیازهای فرد (که هم به جنبه ارگانیسم وارد و هم به شخصیت توجه نشان داده شده) و تمایلات گروه و خانوادگی و گرایش‌های طبقه اجتماعی در محدوده يك تمدن معین منطبق و سازگار گردد .

تأثیر مسکن در بهداشت روانی خانواده با مراجعه به بررسیهایی که تاکنون بعمل آمده است اهمیت سازگار ساختن انسان با محیط مسکونی کاملاً روشن میشود . بر اساس تأثیرات

- 1- Gaston Bachlard
- 2- Poetique de Lespace

مخارج آتش نشانی و حفظ سلامت ساکنین و سایر هزینه ها و کمک ها میشود (مثلاً در شهرهای بزرگ ممالک متحده آمریکا جمعاً ۴۵٪ هزینه های شهرداری ها صرف ۲۰٪ مسکن های «ناسالم» شده است) بلکه اینگونه مسکن تأثیرات بسیار سوئی بر بهداشت عمومی و بهداشت روانی اعضاء خانواده ها باقی میگذارد، بررسی های مختلف نشان میدهد که در این مساکن نسبت مرگ و میر بسیار بالا است، مثلاً بررسی که در آمستردام بعمل آمده مسلم داشته است که تراکم و جمعیت و ناسالم بودن مسکن در بعضی محلات موجب شده است که نسبت مرگ و میر به ۷۶ در هزار برسد (۱۹۵۲) همچنین بسیاری از بیماریها از قبیل سل در اینگونه محیطها افزایش فوق العاده ای را نشان میدهد چنانکه اینگونه بیماریها در مناطق مسکونی ناسالم ۵۸٪ در مقابل ۳۸٪ در محله های معمولی است (بررسی محله های پاریس در ۱۹۵۲ است).

از لحاظ موالید نیز اکثر آیا در زمان تولد تأخیر ملاحظه شده یا نوزاد بصورت غیر طبیعی متولد شده است. امراض روانی: حدود ۷۵٪ از موارد بیماریهای روانی در نواحی شهری ناسالم و در مساکن ... پر جمعیت مشاهده شده است (بررسی در شیکاگو و پاریس).

همچنین تعداد اطفال بیمار در کویها و ساختمانهای ناسالم و پر جمعیت خیلی بیشتر است، باید توجه داشت که عمومیت دادن این واقعیتها بطور کامل امکان پذیر نیست زیرا، بسیار مشکل است که بتوانیم سهم مسکن ناسالم را از مجموع خصوصیات جمعیت این گونه نواحی شهر جدا سازیم چون مسکن خود یکی از شرایط زندگی عمومی و اجتماعی نامناسب در اینگونه کویها است. بنابراین لازم است مطالعات دقیق تر و تطبیقی در مورد تأثیر اضافه جمعیت و طرح و نقشه مسکن بر حسب نوع خانواده ای که در آنجا سکونت می کنند بعمل آید تا بتوان نتایج متقن تری بدست داد. از سوی دیگر روابط میان والدین و اطفال بر حسب وسعت و ابعاد و نقشه مسکن مورد بررسی واقع شده است. (۱) بر حسب بررسی هاییکه در تعدادی از بیمارستانهای پاریس بعمل آمده معلوم شده است که بین خانواده هاییکه ۲ تا ۶ نفر در یک اطاق سکونت دارند تعداد نوزادان غیر طبیعی بیشتر است.

بررسی دیگر نشان میدهد که اگر کمتر از ۸ تا ۱۰ متر مربع زمین مسکن برای هر فرد در نظر بگیریم در روابط خانواده اختلالات فراوانی بوجود می آید برعکس بسیاری از مادرانی که خانه های کوچک خود را تغییر داده اند اظهار میدارند که کودکان آنها در شرایط جدید مسکن که فضای کافی در اختیار دارند بسیار آرامتر شده اند.

— بنابراین مسکن در عین حال رشد عاطفی و فکری کودک و محیط خانواده را شدیداً تحت تأثیر خود قرار میدهد. این امر مخصوصاً بستگی بطرز تهیه و نقشه مسکن دارد که موجب میشود کودک احساس کند که خود مالک قسمتی از خانه است و می تواند در آنجا تنها بخود پردازد و والدین نیز صمیمیت و خودممانی گری خود را حفظ کنند.

بزهکاری نوجوانان: همبستگی بسیار شدیدی بین ناسالم بودن مسکن و بزهکاری کودکان و جوانان ملاحظه شده است مثلاً در لوس آنجلس مشاهده گردیده است که در مسکن های ناسالم نسبت بزهکاری جوانان ۶۸ در هزار در مقابل ۱۰ در ده هزار و در محلات عادی است. در فرانسه ۷۴٪ موارد بزهکاریها در محلات و مناطق ناسالم ملاحظه شده است. گرچه بدشواری می توان این عامل را از سایر عوامل جدا کرد لیکن بهر صورت می توان پذیرفت که مسکن نامناسب و معیوب از دو طریق محیط مساعدی برای ایجاد جرم بوجود می آورد.

— نخست بدلیل برهم زدن روابط عاطفی کودک و والدین از همان ابتدای زندگی.

— دوم بدلیل اینکه هرگونه زندگی فردی و اجتماعی را جز در کوچه و خیابان برای نوجوانان غیر ممکن میسازد. اثبات این مدعا با ارائه يك برهان خلف روشن شده است: هنگامی که مسکن اقرار مجرم را تغییر داده اند مشاهده شده است که در رفتار فرد تغییراتی حاصل میشود.

مثلاً هنگامیکه در شهر بروکسل در دو منطقه مخروبه مسکن، تجدید بنا شد میزان و نسبت جرائم کاهش قابل ملاحظه ای یافت.

در انگلستان، Mogeys مشاهده کرده است که پس از تغییر مسکن در محیط خانوادگی بهبودی محسوس حاصل شده است (۱۹۵۵)

در فرانسه مطالعات چومباردولو نشان میدهد که با تغییر مسکن نامطلوب حداقل ذهناً افراد احساس بهبود در زندگی خود داشته اند (بررسی ۱۹۵۸).

La Vie Quotidienne, Famille et Habitation

۱- ر - ك به كتب

(این بررسیها نیز بیشتر توسط چمباردولو و همکارانش در مرکز تحقیقات علمی فرانسه C. n. R. S. انجام گرفته است) به فصول ۱ - ۲ - ۴ - ۸ و صفحات ۹۲ - ۹۳ رجوع شود .

در اینجا باید اضافه کنیم که تغییر مسکن برای اینکه تأثیر لازم را داشته باشد باید با توجه به برخی اطلاعات روانشناسی مانند عادات فرهنگی - روابط موجود و مستقر بین افراد و امثال آن صورت پذیرد. از اینجاست که استفاده از برخی فنون روانشناسی اجتماعی مفید بنظر میرسد. بنابراین کیفیت مسکن یکی از مسائل اساسی زندگی شهر نشینی است و باید دید تاکنون چه پاسجهائی باین نیاز داده شده است.

ارضای نیازهای خانواده‌های عصر ما

الف - بررسی یک گروه روانشناسی اجتماعی نزد دهنر معمار معروف جهان (۱) نشان میدهد که در ساختمان فضای مسکونی توجه اینان بیشتر به آسایش زوج و رشد شخصیت اطفال و همستگی خانوادگی معطوف است مثلاً لو کورپوزیه (۲) معتقد است که مسکن باید جمع شدن افراد خانواده را دورهم ممکن ساخته ضمناً استقلال هر کدام را حفظ کند تا هر کدام بتوانند زندگی جدا و مستقلی آنطور که می‌خواهند داشته باشند. سرویسهای مختلف محل مسکونی که نقش « فنی » دارند تابع این روانشناسی اجتماعی « خانواده خواهند بود. بد بررسی روانشناسی اجتماعی و وظایف مسکن خانوادگی به نقشی که ایفا میکنند باید در نظر گرفته شود. کندی (۳) که این بررسی را بعمل آورده به تحلیل مستدل ساختمان و فعالیت‌های گروهی خانواده می‌پردازد و نتایج زیر را ارائه میدهد:

فعالیت‌های اعضای مختلف و « نقش » آنها در خانواده بر حسب سن و جنس و منزلت فردی و مفهوم آن در محیط اجتماعی (مانند نقش زن، نقش پدر، نقش نوجوانان...) و نیازهای منطبق بر آن برای هر یک از افراد خانواده با توجه به نقشی که ایفا میکنند باید در نظر گرفته شود. روابط فیما بین این فعالیتها. روابط بین نقش والدین - بین نقش کودکان - بین نقش والدین و کودکان هر یک منبع خواسته‌های مختلفی برای افراد گروههای فرعی داخل گروه اصلی است.

بر اساس تجزیه و تحلیل فوق، کندی سه نوع فعالیت عمده را در گروه خانوادگی از یکدیگر متمایز می‌کند.

- اول - فعالیت‌های عملی (خدمات داخلی خانواده‌ها).
- دوم - فعالیت‌های اجتماعی.
- سوم - فعالیت‌های شخصی.

این فعالیتها بخاطر نیازهای خاصی از همدیگر متمایز میشود: در حقیقت:

- نیاز به ایجاد ارتباط بین افراد و محل کار آنها.
- نیاز به نزدیکی و صمیمیت و زندگی خودمانی (آزادی در دیدن و دیده شدن، آزادی شنیدن و شنیدن شدن...) موجب میشود که فعالیت‌های افراد بانقش‌ها و روابط بین آنها درآمیزد. فعالیت‌های افراد بانقش‌ها و روابط بین آنها درآمیزد. مسکن باید برای هر فرد فضای منظمی را که بان نیازها پاسخ دهد تعبیه کند.

از اینجا به مساله ناحیه بندی ساختمان پرداخته. فضاهای شخصی و خصوصی (مانند اتاق خواب - محل کار ...) و نیمه خصوصی (مانند حمام) و محلهای مورد نیاز جمع (مانند آشپزخانه - اتاق لباسشویی - و غیره) و فضاهای اجتماعی (اتاق نشیمن - سالن - باغچه ...) و محلهای همگانی (مانند کریدور - در ورودی...) را از هم مشخص ساخته‌اند. بدیهی است بین هر دو قسمت از این فضاها که بکار خاص می‌خورد یک مانع که همان درها و جدارها و پنجره‌ها است مشاهده میشود. بخش مهم آتمسفر مناسب و روابط عاطفی خانواده بسته به تنظیم صحیح این فضاهای داخلی مسکن است. زیرا امکانات برقرار کردن روابط و مبادله و آسایش وجدائی و تجمع و یا برعکس برخورد ناروا و ناراحت بین اعضای خانواده و بین گروههای فرعی و اصلی خانواده مثل والدین و اطفال و خدمتکار و غیره همگی بسته بطرز تنظیم فضاهائی است که هر کدام فونکسیون خاص دارند. بالاخره مسکن بایستی به نیازهای اساسی جسمانی مانند سلامتی آسایش و ایمنی و غیره پاسخ صحیحی بدهد.

ج - بررسیهای پهنانگر و ژرفانگر

بر اساس بررسیهایی که گروه مردم‌شناسی اجتماعی مذکور در قبل بعمل آورده میتوان دانست که.

- ۱- این بررسی را که مرکز تحقیقات علمی فرانسه بعمل آورده در جلد اول فصل هفتم از کتاب چمباردولونیالی *Famille et Habitation* که توسط مرکز تحقیقات ملی فرانسه منتشر شد آماده است
- ۲- *Le Corbusier* معمار شهر ساز معروف فرانستری که آثار معماری اوزبان نزد محافل شهرسازی و معماری اروپاست.
- 3-Kenedy, R. W. *The House and the Art of Design* N. y. 1953

— این خواسته‌ها همراه با تحول سلول خانواده و تحول عمومی افکار و فنون نیز دگرگونی می‌پذیرد .
 عدم توجه به این مسائل موجب توسعه مسکن‌های معیوب و ناقص و ناسالم میگردد . که تأثیرات سوء آن سلامت ساکنین شهرهای پرجمعیت و متراکم را بخطر انداخته ، بر وخامت زندگی خانواده‌های بی‌مسکن در این مراکز پرتراکم میافزاید .
 در هر صورت — لازم است مسکن از نظر وسعت — طرح ساختمان ، تجهیزات با نیازهای انواع مختلف خانواده‌ایکه در آن سکونت خواهند گزید (از نظر تعداد — ترکیب — سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی — سنتهای فرهنگی) و براساس محدودیتهای مالی خانوار طرح ریزی شود و این امر جز با مطالعات اقتصادی و روانشناسی اجتماعی همه جانبه‌ای که باید قبل از اجرای هرگونه طرحی صورت گیرد امکان پذیر نیست .
 سازگار ساختن مسکن با نیازهای زندگی خانوادگی یکی از مسائل مهم و فوری بهداشت اجتماعی است و لازم است . دائما بررسیهایی در این زمینه بعمل آید براساس آن یک نمونه‌بندی (Typology) از خانواده و نیازهای آنها بدست آید و انواع مسکنی که بر هر نمونه از خانواده‌ها قابل انطباق است تعریف گردد . در غیر اینصورت برمشکل کمبود مسکن ، نگرانی و اضطراب از واحدهای مسکونی معیوب و ناسالم افزوده خواهد شد .

1_ Chombort de Lauwe, Famille et Habitation, Paris. 1958

— طبقه استفاده از مسکن چیست ؟
 — چه اموری موجب رضایت و یا عدم رضایت از مسکن میشود ؟
 — تمایلات آرزوها و خواسته های افراد در این مورد چیست ؟
 البته نباید تصور کرد که براساس اینگونه بررسیها میتوان اصول مطلقی در موارد ذکر شده بدست داد . در واقع تمایلات اظهار شده جنبه نسبی داشته به تجربیات قبلی و وضع سکونت گذشته و محدودیتهای زندگی فردی بستگی دارد . مثلا در شهر های کوچک و متوسط ایران اکثر افراد محیط ناقص خانه مسکونی آباء و اجدادی خود را بر مسکن جدیدالبناء ترجیح میدهند . همچنین قضاوتهای قالبی بسیاری از مردم باپیشداوری، مسکن خصوصی و یک خانواری را مرجح میدانند . در سایر کشور نیز قضاوتهای قالبی و پیشداوریها مشکلاتی نظیر آنچه گفته شد بوجود آورده است .
 با اینهمه جامعه شناسانی مانند (چمبردولو) (۱) میزان نارضایتی و تنظیم خواسته‌ها و شکل استفاده از مسکن و نوع خانواده را خصوصیات مسکنی که در اختیار دارند مقایسه کرده براساس آن توانسته است صورت کاملی از احتیاجات اساسی مسکن خانوادگی را تهیه کند نامبرده نیازها را بچند دسته بشرح زیر تقسیم کرده است :

— نیاز به فضا و تنظیم آن برحسب خواسته‌های شخصی .
 — نیاز به استقلال در هر گروه فرعی (براساس سن و جنس و کودک و بزرگسال) و جدا ساختن وظایف فضاهای مختلف مسکن مانند اطاق خواب — غذاخوری — سالن مطالعه — بازی و غیره (مثلا هیچ کس نمیپذیرد که آشپزخانه در داخل سایر اطاقها گنجانیده شده باشد) .
 — نیاز به استراحت و آسایش (جلوگیری از انعکاس صدا و غیره) و تجهیزات مادی .
 — نیاز باینکه ساکنین بتوانند به فضا — دکوراسیون خانه و اشیاء آن جنبه منظم و نمایشی دهند .
 — نیاز به برقرار کردن روابط اجتماعی با خارج از خانه (مانند پذیرائی از دوستان در خارج و مانند آن) بسیاری از این نیازها با مفهوم خانه در نظر معماران و سازندگان خانه مغایرت دارد .

— بعلاوه برحسب طبقات مختلف اجتماعی این تمایلات به اشکال گوناگونی نمایان میشود . حتی این گونه خواسته‌ها برحسب مناطق مختلف یک مملکت تغییر میکند .